**تبریز،دیلک لر شهری**

**پنجشنبه سی ام آذر ۱۳۹۱**

[**فلسفه نام گذاری "چیلله گئجه سی"(شب چلله)!+گولمجه شعر!+اردبیلدن گؤزل گؤرونتولر**](http://moderntabriz.blogfa.com/post/16)

فلسفه نام گذاری "چیلله گئجه سی"(شب چلله)!

در ترکی «یای» یعنی کمان، «چیلله» نیز یعنی زه (در اینجا زه کمان) و نیز محل زه برای گذاشتن تیر در موقع انداختن تیر، «اوخ» یعنی تیر(تیرکمان).در ترکی به تابستان نیز «یای» گفته می شود. از این رو وقتی گفته می شود «یایین چیلله سی» تداعی کننده کشیدگی نهایی کمان به هنگام انداختن تیر(چله ی تابستان) یعنی نهایت و اوج کشیدگی تابستان که چهل و پنج روز رفته از تابستان است.



قیشین چیلله سی(چله ی زمستان) نیز به معنای کشیدگی نهایی سرماست که دو تاست یکی چهل روزه(بؤیوک چیلله) یکی بیست روزه(کیچیک چیلله)، یعنی زمستان دوبار به اوج می رسد.

چیلله گئجه(شب دارای کشیدگی نهایی) وقتی گفته می شود «چیلله گئجه سی»(شب چله)در واقع یعنی کشیدگی شب. ولی تحت تاثیر تفسیرهای رایج به معنای شروع زمستان تلقی می شود که البته اینگونه نیست.



اینکه چرا«چیلله» یا «چله» که معنای زه کمان و محل نشستن ته تیر در کمان و مآلا مفهوم نهایت کشیدگی را در مورد «بلندترین شب»،«شدت تابستان» و «شدت زمستان»(که دقیقا معادل climax –نقطه اوج- آمده از زبانهای یونانی و لاتین است) بایستی با عدد «چهل» توجیه و تفسیر نمود کاری است که برخی از روشنفکران پرداخته اند و خود نیز بایستی جوابگو باشند.

بدون هیچ تردید واژه«چیلله» یا «چله» با واژهی یاد شده «climax» از یک ریشه و منشأ میباشد. در منبع شناسی تولید واژگان صدای(ل) دارای مفهوم «انتقال» میباشد. مطابق همان منبع تکرار یک صدا مفهوم استمرارتکراری حرکت و عمل را دارد. پس «چیلله» یا «چله» دارای مفهومی است که در آن عمل انتقال به تکرار اتفاق می افتد. اگر «چله» معنی «چهل لا» نیز داشته باشد آنوقت پرسیدنی است که اولا خود «چهل» از کجا آمده و دوم اینکه معنای پله چیست؟منطقی است بپذیریم که «چهل» از «چیلله» حاصل شده است. فقط فراموش نشود ادیبان منکر وجود تشدید نیز در فارسی شده اند.

اما جان آیتو(John  Ayto ) اتیمولوژیست انگلیسی واژه «climax» را نهایتا از منشأ هندواروپایی(Kli-) می داند. اولا شما این مورد را با واژه «چیلله» یا «چله» تطبیق دهید خواهید دید که دقیقا دارای عناصر فونتیکی مشابهی هستند.

باز می گویند که واژه «lean» به معنی «تکیه دادن» نی زاز همین ریشه است. متوجه می شوید که چرا در «چیلله» یا «چله» مفهوم نشستن ته تیر در کمان نیز مستتر است؟

«چیلله» اسمی است از فعل «چیلمک» به معنای (زدن پرتابی توام با ضربه) ساخته شده است. در بازی «چیلینگ –آغاج»(الک-دولک) به زدن «چیلینگ» یا «چیلیک» یا «چیلیه»(دولک) با «آغاج»(چوبدستی) از این فعل استفاده شود: «چیل گلسین!»(بزن بیاد!). «چیلینگ» نیز از این فعل استفاده شده است.

«چیلمک» اسم تلنگر شدید است که در آن ریگ کوچکی بین پشت ناخن سبابه و نوک انگشت شست قرار گرفته و به شدت پرتاب می شود. یا تلنگری که بر سطح آب- به نیت پخش کردن و افشاندن آب- زده می شود.

شکل دیگری از این فعل نیزهست که که «چیله مک»(افشاندن توأم با ضربه) است.

«پیلله» نیز از سیستم «چیلله»(چله) است، حتی به این شکل:«پیلوو»(pilov) و «چیلوو»(cilov)[پلو و چلو] نیز از یک شیوه و سیستم تولید واژگان استفاده می شود. آوردن این مثال از آن جهت لازم بود تا در پیگیری سیستم واژگانی دچار سهو و لغزش نشویم. همانگونه که ملاحظه می کنید در فارسی مصوت ها دچار تغییر شده: «پ» و «چ».



به مثالهای دیگری از این دست(جهت مطالعه بیشتر) دقت کنید که چگونه سیستم ترکی ثابت است: چیلله(چله)،شیلله(سیلی آبدار)،«سیلله»(سیلی)،«گوله»(گلوله)،هؤرره،هوررا(نوعی غذای ساده روستایی)،«شیررا»(شیره)،«شوررا»(احتمالا تبدیل به شوربا شده)،«بلله»(نانی که به صورت سادندویچ در می آورند)،«پیلته»(فتیله[به خاطر وجود«ت»که علامت تعدی است]چیزی که به تدریج پایین آورده می شود)، «گله» ی فارسی نیز احتمالا از این سیستم است که در این صورت باید از فعل «گلمک» (آمدن)«گلله» (هم-آمده) ایجاد شده باشد.

چیلله گئجه سی یئتیشدی یولدان

فامیل توکولوبدی ســـــاغ و سولدان

مش قوربانعلی دوشوبدی قولـدان

دؤرد اللی یئییر جویــــز - میلاخ دان!

خاتین گـــــوز آغـــــاردیـری قیـــراخ دان!!

http://blogfa.com/images/smileys/24.gif

سئفرایه ائدیبدی حمله شئر تک

تئز تئز یئ ییری انار و پشمک

آجیللره هی ووروبدو پاتک

بئش قابی بوشالدیب اوسته - اوسته

تکجه سئچیری باداملا پوسته !

http://blogfa.com/images/smileys/24.gif

چون سینی ایچینده گلدی قارپیز

قوربان دئدی : گل بو سمته آی قیز!

قَش قَش یئدی قارپیزی آمانسیــــز

هیچ کیمسه آلانمادی الین نن

قارپیز سویی آخدی سققلین نن!

http://blogfa.com/images/smileys/24.gif

مجلس صاحابی سوسوب، قالیب واه!

گاهدان گولوری: دئییر ماشاللاه!

قلبینده دئییر ولی : آی آللاه!

دورد اللی بوجور یئمه ک نه ایشدی؟

واه واه بو کیشی نه گورمه میشدی!

http://blogfa.com/images/smileys/24.gif

 بیر کیمسه یه وئرمیری ماجالی

تئز تئز سویور آلما - پرتقالی

تا که گؤرور ائو صاحاب بو حالی

هی چئینیری هیسله دیل دوداقین:

آی قارنی شیشه بوجور قوناقین!

http://blogfa.com/images/smileys/24.gif

ازبس یئدی، دالبادال چای ایشدی

قارقیش اوخی مقصده یتیشدی

تیخماق اثرین ده قارنی شیشدی

بیردن بیره ناله سی اوجالــدی

مجلس صاحابی خطایه قالدی!

http://blogfa.com/images/smileys/24.gif

آرواد دئدی : ای وای اؤلدی قوربان!

دور ماشینی فوری یاندیر اوغلان!

تا کـــــــــــــه آپـــــاراق مطبّه الآن

یئردن اونو قووزادی قوناقلار

آلدی بئلینه اوغول به ناچار

http://blogfa.com/images/smileys/24.gif

ایستیردی چیخا اتاق دان اوغلان

ائتدی الینن اشاره قوربان

گوردو آتاسی دئییر یاواشدان:

اوچ -دؤرد تیکه حالوا اولسا خوشدی

معده م دیه سن بیر آزجا بوشدی!!

http://blogfa.com/images/smileys/24.gifhttp://blogfa.com/images/smileys/24.gifhttp://blogfa.com/images/smileys/24.gif

سعید سلیمان پور